فَاَنَّ مَعَ الْعُسْرِ یُسْراً — اِنَّ مَعَ الْعُسْرِ یُسْراً

راه مجاهد

ضمیمه ۱

.. خدا با قلبی شاد و با صفا بسوی تحمل مصائب و سختیها

نشریه نهضت مجاهدین خلق ایران

سال اول ضمیمه ۱ ــ ۶۰/۸/۱۸

بها ۱۵ ریال

* جنگ تحمیلی بعث عراق بر ایران به تعبیر امام مقابله تمامیت کفر در برابر تمامیت اسلام است.

برای جلوگیری از رشد و شکوفایی مستمر انقلاب اسلامی در منطقه شیطان بزرگ به دست و پا افتاد و از طریق صدام جنایتکار به میهن اسلامی تجاوز کرد.

رشد انقلاب اسلامی و جناح بندی در منطقه و ایران

* با اعلام روز جهانی قدس و راهپیمایی ۲۰ میلیونی جهت آزادسازی بیت المقدس انقلاب اسلامی بصورت دشمن شماره یک صهیونیسم اشغالگر معرفی گردید

★ ویژگی مشترک بعث صدام با اتحاد کمپ دیوید:

- اشغالگری
- وابستگی به انحصارات نفتی
- وابستگی به انحصارات نظامی
- سوسیالیسم سازشکار
- آزار و شکنجه
- ناسیونالیسم سازشکار
- ضدیت با انقلاب اسلامی و انقلاب فلسطین

بنام خدای شهیدان

جنگ تحمیلی بعث عراق بر [ای]ران به تعبیر امام، مقابله تمامیت [اس]لام در برابر تمامیت کفر است. [تح]قق تمامیت اسلام در ایران در بسیج [بز]رگ بر شاه"، خطوط اصلی انقلاب [اس]لامی نظیر "نه شرقی، نه غربی، [حک]ومت اسلامی" "استقلال، آزادی [حک]ومت اسلامی" و یا صدور انقلاب و [اس]لام استراتژی "فتح قدس" تا [حد]ودی شناخته شده است. آنچه کمتر از [آ]ن سخن رفته اینکه جوهره باطل و [تم]امیت کفر چیست که صدام بعنوان [نم]اینده آن به انقلاب مظلوم ایران [هج]وم آورده است. در این سری مقالات [بر]آن هستیم تا از یکسو ارتجاع اصلی [را] در منطقه شناخته و رابطه آنرا با رژیم [حا]کم در عراق مورد بررسی قرار دهیم [و ا]ز سوی دیگر رشد جریان حق در منطقه [خص]وصا در عراق را که با تداوم جنگ [بی]ش از پیش با انقلاب اسلامی پیوند [می]خورد بشناسیم. از طرف دیگر انقلاب [اس]لامی در طی چند ماهه ای که از آغاز [جن]گ گذشته، با موضعگیریهای عمدتا [مغ]رضانه بعضی از گروههای سیاسی [رو]برو بوده است. گروههائی که در [بی]انیه ها و روزنامه های خویش علت [اص]لی وقوع جنگ را اندانمکاریهای [ها]ب حاکم خوانده و آن را باعث هرچه کوچکتر شدن سفره زحمتکشان میدانند گروههائی که معتقدند هر که با مذاکره مخالفت کند، انحصار طلب و مرتجع است. گروههائی که رژیم عراق را که دیکتاتور میدانند ولی وابستگی آشکار آنرا نفی میکنند یا وابستگی را بعنوان ویژگی اصلی و بارز رژیم صدام نمیدانند. این گروهها با چنین دیدگاههائی در مورد جنگ ایران و عراق و ماهیت صدام قادر به مبارزه با رژیم عراق نبوده و به خط "**سازش و نه جنگ**" افتاده یا خواهند افتاد. در برابر چنین تحلیلهائی نیاز به داشتن تحلیلی واقع گرایانه از ارتجاع منطقه منجمله از عراق و جناحهای داخلیش، برای آگاهی عناصر صادق در این گروهها و همچنین افشای خط مشی سازشکارانه حاکم بر آنها لازم و ضروری به نظر میرسد. لذا بر آن شدیم تا تحلیلی خلاصه در این خصوص ارائه بدهیم:

جریان کمپ دیوید

قرارداد خائنانه کمپ دیوید، نمایانگر اتحاد "**کارتر و سادات و بگین**" و معرف خط مشی امپریالیسم جهانی در منطقه خاورمیانه است. جوهر کمپ دیوید را میتوان پذیرش موجودیت اسرائیل غاصب و صهیونیست و تداوم توسعه طلبی آن در منطقه دانست. این قرارداد حاصل وحدت و تشکل و عامل انسجام دهنده بین دو جناح دموکرات و جمهوریخواه آمریکا نیز میباشد و بی جهت نیست که از کیسینجر و ریگان و بوش جمهوریخواه تا کارتر و برژینسکی دمکرات موید قرارداد هستند. اصلی ترین مقاصد امپریالیسم را از طرح ریزی این توطئه بشرح زیر میتوان خلاصه کرد:

۱ــ تبدیل مبارزه مسلحانه مردمی علیه اسرائیل به شیوه های سیاسی و دیپلماتیک در سطح جهان و خصوصا تبدیل سازمان آزادیبخش فلسطین به یک سازمان سیاسی کار. به تعریف مارگارت تاچر "کمپ دیوید" به معنای آن است که فلسطین موجودیت اسرائیل را به رسمیت بشناسد و اسرائیل هم موجودیت فلسطین را به رسمیت بشناسد.

۲ــ این قرارداد شوم جابجائی دشمن را نیز بدنبال خواهد داشت. به این صورت که از یکطرف اعراب بظاهر یکپارچه در مقابل اسرائیل را به جان هم بیندازد و بسیاری از نیروها را به هدر بدهد و در این بین از شکل گیری یک جبهه واحد و متحد علیه صهیونیسم جلوگیری نماید. که این خود موجب تثبیت اسرائیل در منطقه میشود از طرف دیگر اد امه کشمکشها و درگیریهای فرعی، مردم منطقه را از بسیج مقدس ضد صهیونیستی انداخته و نسبت به مبارزه مایوس و دلسرد مینماید. این امر بطور طبیعی زمینه های پذیرش قراردادهائی در جهت صلح و سازش را فراهم میآورد.

باید توجه داشت که در زمان انعقاد این قرارداد، سازمان آزادیبخش فلسطین دشمن اصلی این اتحاد بشمار میآمد ولیکن با اعلام "**روز جهانی قدس**" و راهپیمائی ارتش بیست میلیونی جهت آزادسازی بیت المقدس، انقلاب اسلامی بصورت دشمن شماره یک صهیونیسم اشغالگر معرفی گردید. زیرا انقلاب ایران، مکتب نجاتبخش اسلام را بعنوان ایدئولوژی راهنمای عمل بکار گرفته و میگیرد و از دل آن بشیوه های نوین مکتبی برای مبارزه با صهیونیسم دست مییابد. بسیج توده های جان به کف در یک مبارزه مسلحانه چریکی، کشف شیوه های خودکفا برای رسیدن به استقلال همه جانبه، عدم تکیه به قدرتهای بزرگ جهانی و .... از جمله این شیوه هاست که هم اکنون راهنمای عمل بسیاری از رزمندگان خصوصا رزمندگان فلسطینی قرار گرفته است.

بطور کلی کمپ دیوید حاصل اتحاد "کارتر و سادات و بگین" و نقطه وحدت جناحهای درونی آمریکا در جهت هدف

ما باید بر امریکا غلبه کنیم و او را در تمام منطقه شکست دهیم «امام خمینی»

رشد انقلاب اسلامی و جناح بندی در منطقه و ایران

سال اول ـ شماره یک
تاریخ ـ ۱۸/آبان/۶۰

دیرینه تثبیت و توسعه صهیونیسم استثمارگر است و به عنوان اصلیترین سد در قبال حرکت مستضعفین منطقه و خصوصا حرکت شتابان انقلاب اسلامی ایران بحساب میآید. از اینرو قرارداد کمپ دیوید را میتوان ارتجاع اصلی و جوهر طاغوت در منطقه بحساب آورد.

اگرچه کمپ دیوید ظاهرا صلح مصر و اسرائیل است اما در محتوا نه یک قرارداد بلکه یک جریان گسترده در منطقه میباشد که رژیمهای مرتجع و نفتی از عراق و عربستان گرفته تا مغرب و اردن و .... با آن سنخیت و نزدیکی دارند. از این جهت ملاک مترقی یا مرتجع بودن هر رژیم یا هر گروه و جریانی به میزان دوری یا نزدیکی آن با ویژگیهای توطئه کمپ دیوید میباشد. بدین معنی که باید دید هر رژیم یا جریانی در عمل تا چه اندازه با جوهره ارتجاع در منطقه (کمپ دیوید) درگیر شده یا با آن به سازش افتاده است. گرچه ممکن است که در ظاهر با عناصر این قرارداد (کارتر و سادات و بگین) روابط نداشته و یا حتی شدیدترین شعارها را برعلیه آن مطرح نماید.

از طرف دیگر درجه ذهنی یا واقعی بودن هر تحلیلی به میزان درک عمق این توطئه و نیز اعتقاد به شعار اصیل **"فتح قدس"** به عنوان تنها شیوه قهرآمیز برای مقابله با کمپ دیوید خواهد بود از این جهت شناخت جناحهای موجود در کمپ دیوید برای کشف ویژگیهای این اتحاد شوم لازم و ضروری است:

"جناح کارتر در کمپ دیوید"

الف ـ کارتر: حضور کارتر، رئیس جمهور آمریکا در کمپ دیوید نمایانگر ویژگی خط مشی شیطان بزرگ بشرح زیر است:

۱ـ انحصارات جهانی:

ویژگی اصلی امپریالیسم، انحصارات جهانی در وجوه مختلف نفتی ـ نظامی ـ صنعتی ـ بانکی و تبلیغاتی است. انحصارات جهانی همان شرکتهای فراملیتی هستند که علیرغم رقابتی که در صحنه جهانی دارند، همچون بافت منسجم و متشکلی در مقابل مستضعفین عمل میکنند. چنانکه عملکرد هماهنگ شرکتهای فراملیتی نفتی را در قبال نهضت استقلال طلبانه مرحوم دکتر مصدق دیدیم که یکپارچه از خرید نفت از ایران خودداری کردند و دولت مصدق را در منگنه قرار دادند، تحریم اقتصادی انقلاب اسلامی، پس از تسخیر لانه جاسوسی نیز نشان میدهد که شرکتهای فراملیتی تا چه حد بشکل متحد عمل میکنند که همزمان، هم پولهای ایران در بانکهای جهانی بلوکه میشود، هم سلاحها و لوازم یدکی خریداری شده از سوی ایران در بنادر توقیف میگردد و هم جریان صادراتی مواد غذائی به ایران قطع میگردد. در این بین انحصارات صنعتی نیز با قطع صدور قطعات صنعتی عملا صنایع ایران را به تعطیل میکشانند.

در سطح جهانی، عملکرد شرکت فراملیتی و کودتاچی **"آی تی تی"** در شیلی و شرکت **"میوه"** آمریکای شمالی در آرژانتین نیز نشانگر ماهیت و شیوه‌های انحصارات جهانی است.

تشکل انحصارات جهانی را در زمینه تبلیغاتی نیز به آسانی میتوان دید که چگونه رادیوهای بیگانه بصورتی هماهنگ سعی در تضعیف و انزوای انقلاب اسلامی و رهبری سازش ناپذیر آن داشته‌اند.

بطور کلی انحصارات جهانی را در ابعاد زیر میتوان دسته‌بندی کرد:

انحصارات نفتی (نظیر کمپانیهای آرامکو ـ اکسون ـ استاندارد اُیل کالیفرنیا ـ بی پی شل و ......)

انحصارات صنعتی ـ نظامی (نظیر، جنرال موتورز ـ بوئینگ آی تی تی ـ فورد ـ آی بی ام ـ آ ا گ و .....)

انحصارات بانکی (نظیر: فرست نشنال سیتی بانک ـ بانک آو آمریکا بانک آمریکا اینترنشنال ـ چیس مانهاتان بانک)

انحصارات تبلیغاتی (نظیر: یونایتدپرس ـ آسوشیتدپرس ـ نیویورک تایمز ـ شبکه‌های تلویزیونی abc ،NBC ،CBS ،BBC و .)

منطق برتری نژادی:

ایدئولوژی شرکتهای فراملیتی که همان ایدئولوژی امپریالیسم آمریکاست، منطق برتری نژادی است و این همان منطق شیطان است که تسلیم امر خدا نشد و به انسان سجده نکرد. خود را برتر دانست و طاغی شد. شیطان بزرگ و طاغوت بزرگ زمانه هم همین ویژگی برتری جوئی و خودبرتربینی را داراست. تشکل وسیع عده‌ای سفیدپوست نژادپرست با عنوان "کوکلاس کلانها" در آمریکا نمونه‌ای از ایدئولوژی برتری نژادی در آمریکاست. سازمانی که خط مشی خود را در کشتار و آزار رساندن به مستضعفین سیاه‌پوست خلاصه میبینند.

۳ـ آزار و شکنجه:

شیطان بزرگ برای حفظ منافع و موجودیت انحصارات جهانی، دست به تشکیل پلیس سیاسی (سیا) میزند و برای سرکوب جریانهای حق طلب و رهائی بخش به آزار و شکنجه میپردازد. شبکه پلیس سیاسی امپریالیسم نیز فراملیتی است. چنانچه دیده‌ایم چه قبل از انقلاب و چه پس از پیروزی آن، سیا ـ موساد و ساواک بصورت یک شبکه واحد علیه نهضت اسلامی ایران وارد عمل شده‌اند. شیوه‌های مشترک آزار و شکنجه و انتقال تجربیات در سازمانهای ضدخلقی فوق موید این مدعاست.

شبکه سازمانهای امنیتی فوق از طریق مزدوران داخلی، طرح ریزی کودتاهای مختلف علیه جمهوری اسلامی و بمب‌گذاریها و ترور شخصیتها و کادرهای انقلاب را بعهده دارد.

۴ ـ اشغالگری:

پلیس سیاسی بین‌المللی در حفظ منافع انحصارات جهانی نقش عمده‌ای را ایفا میکند ولی آنجا که رشد و گسترش نهضتهای رهائی بخش و انقلاب مستضعفین بالا بگیرد و ساواک و سیا و موساد و ..... از سرکوب آن عاجز گردند امپریالیسم به شیوه اشغال و تجاوز متوسل میشود. نظیر آنچه در ویتنام السالوادور، و صحرای طبس دیده‌ایم.

۵ ـ ضدیت با انقلاب فلسطین:

کارتر و سادات و بگین، با برتری قرارداد کمپ دیوید تلاش پی‌گیر دارند تا انقلاب قهرآمیز فلسطین را به خط سیاسی کاری، مذاکره و سازش بکشانند همین نشاندهنده ترس آمریکا از انقلاب فلسطین است. ترس از مستضعفین فلسطین که مقاومت و شهادت را برجلب نظر شاه خالد، شاه فهد و شاه حسین ترجیح میدهند. مستضعفینی که با اعتصاب غذا در زندانهای رژیم اشغالگر قدس، با مقاومت در تل زعتر و جنوب لبنان از آرمان خونبار و مقدس فلسطین دفاع کرده‌اند.

۶ ـ ضدیت با انقلاب اسلامی ایران

انقلاب اسلامی ایران با شعار **"استقلال ـ آزادی ـ حکومت اسلامی"** و **"نه شرقی ـ نه غربی ـ حکومت اسلامی"** منافع و موجودیت شرکتهای فراملیتی را بیش از همه نهضتهای رهائی بخش به خطر انداخته است. تسخیر جاسوسخانه آمریکا و افشاء جاسوسان سیا، اعدام عناصر ساواکی و بقایای دربار ـ مصادره اموال سرمایه‌داران وابسته ـ ملی کردن کارخانه‌های وابسته ـ قطع صدور نفت به آمریکا، افریقای جنوبی و مصر، تشکل نیروهای بسیج مردمی در جهت تحقق امر امام مبنی بر ایجاد ارتش بیست میلیونی، تصفیه سران طاغوتی ارتش و رشد جریان خط امام در آن برپائی جهاد سازندگی و هیئتهای واگذاری زمین در جهت رشد و توسعه کشاورزی و خودکفائی اقتصادی، نفس قیام در برابر نظام آموزشی وابسته برای انقلاب و تغییر بنیادی در نظام آموزشی و ... تنها نمونه‌هائی از عملکرد انقلاب اسلامی است و همینها کافی است که انحصارات جهانی را که در تمامی وجوه مورد تهدید قرار گرفته‌اند، علیه انقلاب خلق مسلم در ایران بسیج نماید. اینجاست که ویژگی دیگر شیطان بزرگ که ضدیت با انقلاب اسلامی به عنوان جوهر نهضتهای رهائی بخش در منطقه، مشخص میگردد. به همین جهت است که انحصارات جهانی برای سرکوب انقلاب اسلامی ایران اقدام به تشدید تضادهای قومی و مذهبی از قبیل کرد و فارس، ترک و فارس، عرب و عجم، شیعه و سنی و ایجاد درگیری و شورش در مناطق، درگیریهای خیابانی، تضعیف نهادهای انقلاب کمک به تقویت و تثبیت نهادهای رژیم سابق، فراری دادن و پناه دادن بقایای رژیم پهلوی، تشکیل شبکه‌های کودتاچی، تحریم اقتصادی، حمله نظامی طبس، تثبیت مهره‌های لیبرال و تحقق کودتای سیاسی (کودتای خزنده) و ... نموده است.

براساس آنچه گفته شد، کارتر نماینده خط مشی آمریکا و نه یک جناح خاص با ویژگیهای زیر میباشد:

قرارداد کمپ دیوید، نمایانگر اتحاد کارتر و سادات و بگین و معرف خط مشی امپریالیسم جهانی در منطقه خاورمیانه است. جوهر کمپ دیوید را میتوان پذیرش موجودیت اسرائیل غاصب و صهیونیست و تداوم توسعه‌طلبی آن در منطقه دانست.

طرح سادات و فهد یکی است — **امام خمینی**

سال اول ـ شماره یک
تاریخ ـ ۱۸/آبان/۶۰

۱ـ انحصارات جهانی دروجوه نفتی صنعتی ـ نظامی ـ بانکی وتبلیغاتی
۲ـ منطق برتری نژادی یا نژادپرستی
۳ـ آزار وشکنجه
۴ـ اشغالگری
۵ـ ضدیت با انقلاب فلسطین
۶ـ ضدیت با انقلاب اسلامی ایران

ب ـ بگین ـ ویژگی خط مشی اسرائیل :

بگین نماینده اسرائیل درانعقاد قرارداد کمپ دیوید، نمایانگر خطوط اصلی سیاست رژیم اشغالگر قدس بشرح زیراست :

۱ـ برتری نژادی واشغالگری :

بانی وتشکیل اسرائیل وبرپائی صهیونیسم درخاورمیانه، ۳۰۰ صهیونیست سرمایه دار سفیدپوست نژادپرست هستندکه با اعتقاد به برتری قوم یهود ابتدا با خرید زمینهای متعلق به اعراب، درمنطقه فلسطین پایگاه بدست آورد، وآنگاه دست به غصب وتجاوز زمینهای متعلق به مستضعفین فلسطینی زدند. امپریالیسم باکمکهای مالی ونظامی به این ۳۰۰ غاصب نژادپرست اجازه داد تا حکومتی را برپا کنندکه سالها درمنطقه خاورمیانه دست به غصب وغارت وجنایت بزنند. محافل صهیونیستی تمام یهودیان آمریکا، اروپا وشوروی را برای تثبیت اسرائیل بدانجا گسیل داشتند.

۲ـ نفوذ درانحصارات جهانی :

درطول حدود ۳۲سالی که ازتولد شوم اسرائیل میگذرد، نفوذ صهیونیسم بحدی رسیده است که درخط مشی شیطان بزرگ وکشورهای اروپائی نقش تعیین کننده پیدا کرده است. طوریکه برژینسکی مشاور امنیتی کارتر، خود یک صهیونیست متعصب وتندرو بود. درواقع ویژگی بارز اسرائیل نفوذ درانحصارات جهانی دروجوه مختلف آن است. برای مثال راکفلر صهیونیست رئیس بانک **"چیس مانهاتان"** است ودرتعیین سیاست مالی امپریالیسم نقش بسیاری دارد. حاکمیت صهیونیسم در انحصارات صنعتی فرانسه به میزان ۸۰% نیزدلیل دیگری براین مدعاست صهیونیسم درانحصارات تبلیغاتی نیزنفوذ بسیاری دارد. طوریکه از ۴۰ سال پیش سرمایه گذاری کرده واکنون شبکه های تلویزیونی **NBC** متعلق به جناح بانکداران وشرکتهای بیمه شبکه تلویزیونی **abc** (با نفوذ درجناح نفتی "سوخت")، شبکه تلویزیونی **CBS** (متعلق به جناح صنایع نظامی) وروزنامه های لوس آنجلس تایمز وواشنگتن پست را بدست گرفته اند.

۳ـ ضدیت با انقلاب فلسطین و انقلاب اسلامی ایران :

اسرائیل غاصب با ویژگیهای فوق، اصلی ترین دشمن انقلاب فلسطین وانقلاب اسلامی ایران است. درحال حاضر هم که استراتژی "فتح قدس" ازسوی امام وامت و آیت الله منتظری مطرح شده است، آمریکا واسرائیل خوب میدانندکه این انقلاب با شرق وغرب وصهیونیسم جهانی سرسازش ومذاکره ندارد. پس هم به شکل مستقیم وهم ازطریق مرتجعین منطقه به تسلیح رژیم کمپ دیویدی صدام وتشکل مزدوران داخلی میپردازند وهم ازطریق سیستم گسترده تبلیغاتی سعی میکنند انقلاب اسلامی را لوث نموده وبه ضد انقلاب منطق بدهند.

۴ـ سوسیالیسم وابسته ومذهب نمائی :

با توجه به آنچه گفته شد، ماهیت صهیونیسم، نفوذ درانحصارات جهانی و غصب وغارت وشکنجه ومسلح بودن به منطق برتری نژادی است. ولی آنچه که موجب شده است این ۳۰۰ نژادپرست سرمایه دار، یک کشور ۳میلیونی را در سرزمینهای اشغالی بپاکنند، شعارهای پیچیده آنهاست. صهیونیستها با تکیه به انگیزه مذهبی یهودیان و تحریف تورات وبا توجه به محدودیتهائی که یهودیان سالها متحمل شده بودند، نوید یک کشور یهودی در قدس را به آنها دادند واکنون با رعایت پاره ای احکام شرعی دین یهود توانسته اند، بسیاری ازیهودیان مقیم اسرائیل را به تائید شیوه های اسرائیل برسانند. علاوه برمذهبی نمائی، رژیم اشغالگر قدس بادارا بودن ارگان ایدئولوژیکی سوسیالیستی وابسته، یک رژیم چپ نما نیزهست. نمونه ای ازاین ارگان، سیستم کیبوتص است که همان شیوه کشاورزی اشتراکی است. اسرائیل با تشکیل تعاونیهای سراسری وسندیکاهای کارگری ظاهر سوسیالیست وچپ نما دارد.

به این ترتیب، بگین که نماینده خط مشی اسرائیل است معرف خط مشی ۳۰۰ صهیونیست سرمایه دار سفیدپوست نژادپرست است که درانحصارات نفتی صنعتی، نظامی، بانکی، تبلیغاتی نفوذ دارند وبا منطق برتری نژادی واحیای دین یهود دست به اشغال و آزار وشکنجه میزنند وبا این حال دارای ارگان ایدئولوژیکی صهیونیستی مستقلی هستندکه از آژانس یهود وسایر انجمنهای مذهبی سرتاسری استفاده میکنند وبراساس این ویژگیها با انقلاب فلسطین و انقلاب ایران ضدیت دارند.

ج ـ سادات :

سادات این خائن به آرمان مستضعفین معتقد به مبارزه قهرآمیز با صهیونیسم، با تائید قرارداد شوم کمپ دیوید، برای اولین بار دروازه های صلح وسازش ومذاکره با اسرائیل را درمنطقه گشود. سادات نمایانگر ویژگی خط مشی رژیم مصر بشرح زیر است :

۱ـ ناسیونالیسم سازشکار :

سادات علیرغم شعار ناسیونالیسم عرب، درعمل به اعراب پشت کرد وبرخلاف تمامی کشورهای عربی با پیوستن به کارتر وبگین، به آرمان اصیل اعراب مستضعف خیانت نمود وازدل ناسیونالیسم سادات، سازش با شیطان بزرگ وصهیونیسم جهانی درآمد. ازاین جهت است که ناسیونالیسم وابسته سادات با ناسیونالیسم رزمنده عرب که "عبدالناصر ضدصهیونیست" سمبل آن است، ضدیت دارد. لذا رژیم حاکم برمصر بخوبی میداند اگر با تبلیغات گسترده چهره وعملکرد ضدامپریالیستی ناصر را لوث ننماید بطور طبیعی تضادهای آشکار بین خط مشی سادات وناصر، مردم را علیه وابستگی روزافزون مصر بسیج خواهد کرد. به همین جهت درطی سالها رسانه های گروهی مصر ازجمله الاهرام المصور و.... شیوه های ناصر را در مصادره اموال زمین داران مصر از سال ۱۹۶۱ به بعد محکوم نموده وحکومت اوراغیرقانونی نامیدند. سادات برای گستردگی تبلیغات ضد عبدالناصر، سانسور درمصر را بجزدر موارد نظامی لغو نمود وبا استفاده از این جو، حمله به ناصر درمصر اوج گرفت حمله علیه کسیکه با ملی کردن صنایع بزرگ، شرکتهای صدور پنبه، بیمه و بانکها قدمهائی درجهت تحقق عدالت اجتماعی برداشته بود. کسی که در فرامینی باعنوان **"قوانین ژوئیه"** حق مالکیت زمین را محدود کرده وبه کارگران وکارکنان حق شرکت در هیئت مدیره کارخانه ها وشرکتها را داد ومهمتر ازهمه آنکه ناصر درطی ۲۰ سال برای وحدت اعراب درمبارزه با امپریالیسم کوشش کرد ومسئله فلسطین را به مبارزات ضدامپریالیستی وضدصهیونیستی ربط داد. کسی که آزادی را منوط به نفی سلطه امپریالیسم وارتجاع داخلی دانست. سادات برای حفظ موجودیت خود، چنین چهره ای را میبایست منزوی کند. برنامه سادات با نفی ارزش وجودی عبدالناصر آغاز شد. سپس عناصر مترقی تصفیه شدند. اصلاحات ارضی متوقف گردید ورژیم ناصر به عنوان یک رژیم شکنجه گر با استفاده ازشیوه هائی چون به صلیب کشیدن، ناخن کشیدن و... لوث شد تا آنجا که دادگاه مصر اجازه داد یک فیلم پرسروصدا درمورد صحنه های شکنجه توسط سازمان ضد اطلاعات دولتی مصر درزمان ناصر نمایش داده شود. اینها همه برای آن بود که سادات بتواند با یک تهاجم ظاهری بخاک اسرائیل، پیمان "صلح مسلح" را بسته وقرارداد شوم وننگین کمپ دیوید را بروی سیل خون رزمندگان فلسطینی بنا نماید.

۲ـ سازش با اخوان المسلمین :

جریان اخوان المسلمین با

ویژگی اصلی امپریالیسم، انحصارات جهانی دروجوه مختلف نفتی، نظامی، بانکی وتبلیغاتی است. انحصارات جهانی همان شرکتهای فراملیتی هستندکه علیرغم رقابتی که درصحنه جهانی دارند، همچون بافت منسجم ومتشکل درمقابل مستضعفین عمل میکنند.

گروههائی که رژیم عراق را دیکتاتور میدانند ولی وابستگی آنرا نفی میکنند یا وابستگی را بعنوان ویژگی اصلی وبارز رژیم صدام نمیدانند قادر به مبارزه با رژیم صدام نبوده وبه خط سازش ونه جنگ افتاده ویا خواهند افتاد.

آیت‌الله منتظری: القدس، ماالقدس، وماادریک ماالقدس

سال اول - شماره یک
تاریخ - ۱۸/آبان/۶۰

استفاده از کمکهای مالی عربستان و پایگاه آموزشی اردن، اقدامات گسترده ای درجهت ضربه به دولت سوریه انجام داده است ودرمدتی حدود یکماه با ۳۰۰ ترور تعادل رژیم حاکم براین کشوررا بهم ریخته است واین درحالی است که هیچ عملیاتی برعلیه مصر سازشکار وسایردول مرتجع عرب نظیر اردن وعربستان انجام نمیدهد. این گروه نه تنها تبلیغاتی برعلیه رژیم سادات نداشته اند، بلکه مطبوعات وابسته به آن درسوریه ومصرهیچ مخالفت وواکنش مشخصی دربرابر بازشدن سفارت اسرائیل درمصرنشان نداده اند. این سکوت ارتجاعی در برابردولتهای آمریکائی منطقه درحالی است که حملات این جریان علیه سوریه که درخط مقدم جبهه قرارگرفته است قطع نمیشود.

ازاین جهت رژیم سادات با جریان اخوان المسلمین به سازش رسیده است وبطورتلویحی وغیرمستقیم به آن تکیه میکند. البته باید توجه داشت که خط حاکم براخوان المسلمین رامیبایست ازتوده های صادق ونیازمنداین جریان که دائما درحال انشعاب هستندوبه دنبال مبارزه بنیادی علیه کمپ دیوید میباشند، جدا دانست.

۳- حاکمیت بردانشگاه الازهر:

ازویژگیهای رژیم سادات حاکمیت بردانشگاه الازهروتکیه به ارتجاع مذهبی است. اساس آموزش دراین دانشگاه براصالت دمکراسی غربی ورای اکثریت میباشد. این دانشگاه با دیدگاه فوق، رژیم حاکم را اولی الامردانسته ودرطی سالها همواره وابسته به رژیمهای حاکم بوده است. این شیوه تفکرازجمله سنخیتهای دانشگاه الازهربا امپریالیسم است. ریشه این سازشکاری با امپریالیسم اصالت دادن به رای اکثریت است. این رویه میخواهد اصول را ازخواست اکثریت بیرون آورد. حال آنکه شیوه اصیل اسلامی آن است که اصول، مستقل ازذهن وخواسته افرادجاری است و شورا، اقلیت یا اکثریت رشدیابنده مسئولیت تحقق آن اصول رابعهده دارد.

وابستگی دانشگاه الازهربه رژیم حاکم درمصررادرمواضع بعضی مولوی های اهل تسنن ایران نیزدیده ایم که شاه را" ولی الامر"دانسته ورژیم اورا تائیدمیکردند.

۴- وابستگی به انحصارات نظامی - صنعتی:

رژیم سادات پس ازجدائی از شوروی وتمایل به غرب بتدریج سیستم وابسته به شوروی درارتش مصر رابه سیستم آمریکائی تبدیل مینماید قراردادهای تسلیحاتی با غرب در جهت تحقق این هدف است. تحویل ۳۵فانتوم اف - ۴وقرارداد تحویل ۴۰جت اف - ۱۶ دلیلی بروابستگی مصربه انحصارات نظامی - صنعتی است

۵- آزار وشکنجه واشغالگری:

هرروزکه ازانعقاد قرارداد شوم کمپ دیوید میگذرد، عمق توطئه و سازش سه جناح کارتروسادات وبگین مشخص ترشده ومردم مصرکه روزی ازطریق شرکت دررفراندوم، صلح با اسرائیل وریاست جمهوری دائمی سادات را تائیدکرده بودند، گروه گروه به مبارزه علیه حکومت خائن مصربرمیخیزند.

شورشهای شهری خصوصا دراسکندریه وقاهره، تظاهرات وسیع مردم برعلیه آمریکا وکمپ دیوید، حرکتهای مستمر دانشجویان مصری ازجمله اعضای اتحادیه دانشجویان مسلمان که منجر به تعطیل بعضی ازمراکزآموزشی از جمله دانشگاه "السیوت" شده، حرکت روحانیت مترقی ازجمله شیخ کوشوک وپذیرش رهبری امام خمینی ازجانب آنان، همه همه حرکتهای مردمی برعلیه رژیم وابسته مصررا نشان میدهد. درمقابل سادات به پیروی ازدوهم پیمانخود، با شیوه آزاروشکنجه واعدام وترورسعی دارد این نهضت راازرشدوگسترش بازدارد

۶- ضدیت با انقلاب فلسطین وانقلاب اسلامی ایران:

براساس ویژگیهای فوق، سادات با انقلاب فلسطین وانقلاب اسلامی ایران ضدیت دارد. زیرا این دوانقلاب رهائی بخش با مشی مسلحانه وقهرآمیزخود، هرگونه سیاسی کاری و شیوه های دیپلماتیک را برای حل مسئله فلسطین نفی میکنندودرنتیجه با قراردادکمپ دیویدکه شیشه عمر سادات است، تضادبنیادی دارند. ازاینجاست که می بینیم روز۱۷شهریور (یوم الله) بانیان قراردادکمپ دیوید، ازیکطرف باکشتارخلق مظلوم درمیدان شهدا، سرخلق ایران را میبریدندوازسوی دیگربا امضای قرارداد شوم کمپ دیوید، سرخلق فلسطین را.

به این ترتیب سادات نمایانگر ویژگی خط مشی مصربشرح زیراست:
وابستگی به انحصارات نظامی صنعتی ومالی - شناسائی موجودیت اسرائیل - ناسیونالیسم سازشکار - ضدیت با عبدالناصر - سازش با اخوان المسلمین - حاکمیت بردانشگاه الازهر - ضدیت با انقلاب فلسطین وضدیت با انقلاب اسلامی ایران.

ملاك ارتجاع وترقی هررژیم میزان نزدیکی ودوری عملی آن به قرارداد کمپ دیوید است.

حال که جریان کمپ دیویدی رابعنوان اتحادشوم سه جناح "کارتر (نماینده خط مشی آمریکا)، سادات (نمایانگرخط مشی مصر) وبگین (نمایانگرخط مشی اسرائیل) معرفی کردیم وآنرا ارتجاع اصلی درمنطقه شناختیم ونتیجه گرفتیم که ملاک مترقی یا مرتجع بودن هررژیم، گروه یاجریانی به میزان دوری یانزدیکی آن با ویژگیهای جریان کمپ دیویدمیباشد بدین معنی که بایددیدهررژیم یا جریانی درعمل تاچه اندازه با جوهره ارتجاع کمپ دیویدی درگیرشده یا آنکه تاچه حدبا آن به سازش افتاده است گرچه ممکن است که درظاهربا عناصر این قرارداد (کارتروسادات وبگین) روابط نداشته ویاحتی شدیدترین شعارها رابرعلیه آنها مطرح نماید.

اینک دراادامه بحث، ویژگیهای مشترک رژیم بعث عراق راباجریان کمپ دیوید، بررسی کرده وماهیت کمپ دیویدی رژیم عراق راخواهیم شناخت.

ویژگی مشترک بعث عراق با کمپ دیوید

خط مشی صدام: وابستگی به انحصارات نفتی - وابستگی به انحصارات نظامی - سوسیالیسم سازشکار - برتری نژادی - آزار و شکنجه - ناسیونالیسم سازشکار (ضدیت باناصروعبدالکریم قاسم) حمایت تلویحی ازاخوان المسلمین - ضدیت با انقلاب فلسطین وضدیت با انقلاب اسلامی ایران.

وابستگی به انحصارات نفتی:

اگربه این نکته که بخش عمده درآمدعراق ازفروش نفت به کشورهای امپریالیستی وشرکتهای چندملیتی تامین میشودتوجه کنیم، میزان وابستگی صدام به کفارآشکارخواهدشد وابستگی رژیم صدام به انحصارات نفتی را با دلایل ونمونه های بسیارمیتوان نشان دادکه دراینجا، به ذکرچند نمونه اکتفا میکنیم:

۱- سهامداران واقعی نفت عمدتا عبارتنداز: انگلیس ۴۷% (کمپانیهای نفتی شل وبی پی)، آمریکا ۲۳/۷۵% وفرانسه ۲۳/۷۵% درسهام تولیدوصدورنفت عراق شریکند. انگلستان علاوه براینکه بیشترین سهم رابه خوداختصاص داده بتازگی قراردادی جهت استخراج نفت با سردمداران خائن بعثی امضا نموده است. درعین حال ۱۷۰مستشار آمریکائی درتاسیسات نفتی بصره مشغول بکارهستند. تمام اینها در حالی است که رژیم صدام باپزضد امپریالیستی وضدصهیونیستی با انقلاب اسلامی درگیرشده است.

۲- یکی ازبرکات انقلاب اسلامی قطع صدورنفت به شرکتهای فراملیتی بود. صدام دربرابراین حرکت اصیل، برای حفظ منافع اربابان خود، صادرات نفت عراق رابه میزان دوبرابرافزایش داد. بطوریکه تولید نفت رابه ۳/۵میلیون بشکه درروز رسانده بود.

۳- باتوجه به ماهیت نفتی رژیم صدام، اشغال بخشی ازخوزستان وغرب کشوربه منظورتصاحب شط العرب وحاکمیت برآبراههای نفتی بوده است. ازطرف دیگرصدام قصدداشت با دسترسی به مخازن غنی نفت ایران، نفتی راکه ایران پس ازپیروزی انقلاب، ازصدوربیرویه آن جلوگیری کرده بود، دوباره بسوی غرب جریان نماید.

۴- درجریان جنگ تحمیلی، به علت آنکه جریان صدورنفت عراق با

خط سرخ انقلاب از کربلا به قدس است

اشکالات بسیاری روبرو شده، مرتجعین وابسته به حمایت از او برخاسته‌اند. از جمله عربستان روزانه ۸۰ میلیون دلار به عراق کمک مالی میکند. این مبلغ هنگفت از طریق فروش روزانه ۲ میلیون بشکه نفت به مشتریهای سابق عراق تهیه میگردد.

۵- در سال ۱۳۵۰ صدام با شاه ملعون بر سر ثبات قیمت نفت به مدت ۵ سال هم موضع شد و این در حالی بود که نرخ تورم کالاهای وارداتی بطور تصاعدی و به میزان ۲۵٪ افزایش یافت.

۶- رژیم صدام، کودتای آمریکائی و صهیونیستی علیه رژیم عبدالکریم قاسم را تائید میکند. زیرا کودتای بعثیها علیه قاسم که ۹۹/۵٪ مینهای حوزه نفتی را از کمپانیهای نفتی پس گرفته و ملی اعلام کرده بود، زمینه را برای تقویت فاشیسم متکی به انحصارات نفتی فراهم آورده بود.

۷- صدام بنا بر نقشه اربابانش عراق را به کشوری تک محصولی تبدیل نموده که تنها از طریق تولید و صدور نفت قادر به اداره امور خویش میباشد. اقتصاد عراق شدیداً متکی به درآمد نفت است و همانطور که قبلا گفته شد عمده درآمد عراق از فروش نفت به کشورهای امپریالیستی و شرکتهای چندملیتی تامین میشود. زیرا از آنجا که بخش ناچیزی از تولیدات عراق را تولید ملی تشکیل میدهد، اگر زمانی امپریالیسم از عراق نفت نخرد، اقتصاد آن محکوم به شکست است.

نتیجتا رژیم عراق برای ادامه حیات به شرکتهای چندملیتی وابسته است. بخاطر همین وابستگی است که دیده ایم عراق هم موضع عربستان و سایر کشورهای ارتجاعی در اوپک همواره در جهت تامین منافع شرکتهای چندملیتی، چه از طریق تائید افزایش قیمت نفت و چه از طریق کاهش آن عمل کرده است.

وابستگی به انحصارات نظامی:

رژیم وابسته صدام از آنجا که به شیوه کلاسیک در جنگ متکی است و به سلاح سنگین اصالت میدهد، از آغاز جنگ تاکنون، دستش بسوی تمامی قدرتهای شیطانی دراز بوده است. قراردادهای گوناگون نظامی عراق آنقدر زیاد است که مجال برشمردن همه آنها نیست. درنتیجه بذکر چند نمونه اکتفا میکنیم:

۱- رژیم عراق در طول جنگ با انقلاب اسلامی، اقدام به وارد کردن سلاحها و مهمات آمریکائی از طریق بندر عقبه، کویت و مصر نموده است. از طرف دیگر افسران عراقی را برای گذراندن دوره‌های آموزشی تانک آمریکائی به اردن اعزام کرده است همچنین خلبانهای عراقی برای گذراندن دوره آموزشی فانتوم از پایگاههای هوائی عربستان استفاده مینمایند. با توجه به این عملکردها، میتوان به خط مشی رژیم بعثی عراق پی برد. صدام خود نیز آشکارا این خط شیطانی را اعلام نموده و گفته است "ما برای حفظ شرف و حیثیتمان از آمریکا اسلحه میخریم."

۲- دولت عراق برای ادامه جنگ با ایران دست به خرید میراژ از فرانسه زده است. این مسئله با توجه به اینکه کمپانیهای سازنده میراژ در دست سرمایه داران صهیونیست است، نشان دهنده ماهیت صهیونیستی و وابستگی رژیم عراق به انحصارات نظامی میباشد.



رژیم وابسته صدام از آنجا که به شیوه کلاسیک در جنگ متکی است و به سلاح سنگین اصالت میدهد از آغاز جنگ تاکنون دستش بسوی قدرتهای شیطانی دراز بوده است.

سوسیالیسم سازشکار:

صدام با طرح شعارهای سوسیالیستی بخاطر سازش با امپریالیسم و صهیونیسم و طبقات مستکبر، عملا یک کشور سوسیالیستی سازشکار است. یعنی:

۱- با شعار "الاشتراکیه، الوحده الحریه" به سوسیالیسم اصالت میدهد و در عین حال دست به کشتار کمونیستهای معتقد به مرام سوسیالیسم میزند، تا هرگونه مخالفتی را در برابر وابستگی عراق به امپریالیسم سرکوب نماید.

از سوی دیگر علیرغم طرح این شعار به جای نزدیکی به بلوک سوسیالیست عملا بصورت روزافزونی وابستگی سیاسی – نظامی به سرمایه داری غرب پیدا میکند.

به این ترتیب سوسیالیسم سازشکار عراق را میتوان با احزاب کارگر انگلیس و اسرائیل مقایسه نمود که با شعار مبارزه طبقاتی با مظهر استکبار جهانی سازش کرده‌اند.

۲- رژیم بعث عراق با شعار "تقسیم زمین" و "مرگ بر سرمایه دار" از شیوخ نفتی منطقه، سرمایه داران متواری ایرانی، فرماندهان فراری ارتش، فئودالهای بعثی در کردستان و ایران و ... حمایت میکند. بر اساس آنچه گفته شد سوسیالیسم عراق را میتوان در خط سوسیال دموکراسی بختیار دانست که دم از عدالت و آزادی اجتماعی میزد اما متصل به جناحهای امپریالیسم بود.

برتری قومی یا قومیت گرائی (برتری نژادی مضاعف):

رژیم بعثی عراق با شعار "العروبیه والاسلامیه" اسلام را دین عرب میشمارد و با این دیدگاه ایرانیان را غیر مسلمان و آتش پرست میخواند. از طرف دیگر نه تنها قوم عرب را برتر میداند بلکه در میان اعراب نیز قبیله تکریتی را بهترین و بالاترین نژاد میپندارد. رژیم عراق با تز "برتری نژادی مضاعف" "چه در درون و چه در رابطه با ملتهای دیگر دست به شیوه‌های وحشیانه و فاشیستی میزند و در منطقه بعنوان مظهر "فاشیسم متکی به درآمد نفت" شناخته شده است.

اشغالگری:

صدام با بکارگیری شیوه "غصب و اشغال" که از جمله شگردهای صهیونیسم جهانی است، به خاک میهن اسلامی تجاوز کرد و با یک هجوم سراسری بسیاری از شهرها و روستاها را در جنوب و غرب ایران اشغال نمود و در عین حال ادعای حاکمیت سه جزیره را هم عنوان مینماید. همچنین دیده‌ایم که صدام مالکیت بر شط العرب و آبراه‌های نفتی این منطقه را از شرایط اصلی پایان جنگ و خروج از خاک ایران اعلام کرده است. این نمونه‌ها نشانه شیوه‌های اشغالگرانه رژیم وابسته عراق است و سنخیت آن را با رژیم اشغالگر قدس نشان میدهد.

آزار و شکنجه:

به گفته سازمانهای اسلامی عراق، رژیم وابسته بعث در این کشور تاکنون حدود ۱۰۰ هزار عراقی را اعدام کرده است. این جنایات تا بدانجا رسیده که سازمان آمریکایی عفو بین الملل هم شیوه‌های شکنجه در عراق را نظیر شلاق، باتون، شوکهای الکتریکی، اجرای صحنه‌های دروغین اعدام و تجاوز و ... محکوم نموده است.

رژیم عراق با تز برتری نژادی مضاعف چه در درون و چه در رابطه با ملتهای دیگر دست به شیوه‌های وحشیانه و فاشیستی میزند.

ناسیونالیسم سازشکار:

عبدالکریم قاسم مظهر ناسیونالیسم رزمنده عرب در عراق بود. او سلطنت وابسته را واژگون کرد و حکومت مستقلی در این کشور بوجود آورد. برای مبارزه با کمپانیهای فراملیتی نفت که در واقع تعیین کننده سیاستهای عراق بودند، ۹۹/۵٪ زمینهای حوزه نفتی این کشور را ملی اعلام کرد (قانون شماره ۸۰) علاوه بر آن با اصلاحات ارضی مبارزه بزرگی علیه فئودالیسم در جهت رونق یافتن کشاورزی و خودکفائی عراق آغاز کرد. علیرغم آنکه امپریالیسم جهانی برای انزوا و سرکوب نهضت ملی و استقلال طلب عبدالکریم قاسم توطئه‌های بسیاری بوجود میآورد، اما او هرگز معتقد نبود که برای حل مسائل و مقابله با توطئه‌های درونی باید مرزها را بست و اوضاع داخلی را اصلاح نمود، بلکه اولین رقم بودجه عراق در زمان حاکمیت او، کمکهای نظامی و مالی به انقلاب الجزایر بود.

علیرغم مواضع انقلابی قاسم بعثی ها با همکاری کمپانیهای جهانی نفت و با تکیه به ناسیونالیسم ساده اندیش کرد در عراق، توانستند علیه او کودتا کنند و به حاکمیت برسند. صدام نیز از سلاله بعثیها ست که به حمایت و پشتیبانی انحصارات جهانی به حاکمیت رسیده است.

به این ترتیب میبینیم ناسیونالیسم رزمنده عرب، مبارزه استقلال طلبانه علیه سلطنت، فئودالیسم و کمپانیهای نفتی و پیوند با نهضتهای آزادیبخش در میان دولتها و خلقهای مستضعف از ناسیونالیسم صدام و رژیم بعث عراق در طول سالها حاکمیت، چیزی جز سازش با انحصارات نفتی و پیوندهای گسترده سیاسی نظامی با شرق و غرب ندیده اند.

سال اول ـ شماره یک
تاریخ ـ ۱۸/آبان/۶۰

اکنون کار به جائی رسیده است که صدام با شعار ناسیونالیسم عرب، برای حفظ حیثیت اعراب دست به دامن شیطان بزرگ میشود. رژیم عراق شعار ناسیونالیسم عرب را حول محور سوسیالیسم سازشکار میدهد. آنچه بعنوان یک سئوال باقی میماند آنکه اگر رژیم بعث به ناسیونالیسم معتقد است چرا پیوند با آمریکا و شوروی و فرانسه و...... را به نزدیکی با لیبی، سوریه و الجزایر و انقلاب فلسطین ترجیح میدهد، چرا در بین اعراب مشخصا "به دنبال پیوند با رژیمهایی است که به حفظ منافع کمپانیهای فراملیتی نفت تعهد داده اند؟ چرا با سران وابسته همچون شاه حسین، ملک فهد، شیوخ عرب و.... علیه خلقهای مستضعف عرب و ایرانی متحد میشود و با سلاحهای ساخت شوروی و آمریکائی توده های مستضعف عرب زبان در خوزستان را با شعار ناسیونالیسم عرب به توپ و موشک و خمپاره میبندد؟

حمایت از اخوان المسلمین:

رژیم صدام از گروه اخوان المسلمین تلویحا" حمایت میکند. گروهی که شاخهٔ اصلی آن علیه حکومت ضد صهیونیست ناصر توطئه کرده و دست به مبارزه مسلحانه علیه آن زده بود. جریانی که از سوی رژیم نفتی عربستان سعودی که دستش به خون استقلال طلبان ضد آمریکائی در این کشور آلوده است، تامین میشود و بودجه میگیرد. جریانی که پایگاههای آموزشی آن در اردن مستقر است و از سوی شاه حسین آمریکائی تامین میگردد. گروهی که عرض مدت کوتاهی حدود ۳۰۰ ترور در سوریه انجام داده و ضربه بزرگی به رژیمی که در صف مقدم جبهه علیه صهیونیسم قرار دارد، وارد آورده است. ولی هیچ اقدامی در جهت ضربه زدن به رژیمهای آمریکائی منطقه نداشته است. بدین ترتیب صدام هم دست کسانی است که سازش رژیمهای مرتجع منطقه را به فراموشی سپرده اند. این مساله دقیقا "خط هماهنگ رژیم بعث عراق را با جریان اخوان المسلمین نشان میدهد. یعنی دو جریانی که به جای درگیری با دشمن اصلی، به تضادهای فرعی یا انحرافی در منطقه دامن میزنند.

ضدیت با انقلاب فلسطین:

رژیم عراق با شعارهای ضدصهیونیستی در عمل ضدیت خویش را با آوارگان مستضعف فلسطینی نمایانده است. از یکسو با عقب کشیدن نیروهای عراقی در جنگ ژوئن ۱۹۶۷ بین مصر و اسرائیل پشت جبهه نیروهای حق طلب را خالی کرد و به شکست آنها کمک نمود و از سوی دیگر با شعارهای ضدصهیونیستی از "ابونضال" که یکی از اعضای سازمان آزادیبخش فلسطین بوده و سپس به آنان خیانت نموده است، حمایت میکند و به کسی که از سوی رزمندگان فلسطینی به اعدام محکوم شده تامین میدهد. با این ترتیب عراق را پایگاهی برای فعالیت خائنین به آرمان فلسطین تبدیل کرده است. همچنین با شعار حمایت از فلسطینی ها، در سازمان آزادیبخش فلسطین نفوذ کرده و بین رزمندگان قطب بندی کاذب و دودستگی بوجود میآورد و جناح بندی میکند. رژیم بعث عراق علیرغم شعارهای توخالی، با بستن پیمان امنیتی با مصر و عربستان، بطور غیرمستقیم برقرارداد خائنانه کمپ دیوید مهر تائید زده و کار را به آنجا رسانده است که برای عقد قرارداد با فرانسه تعهد مینماید که میراژهای خریداری شده از آن کشور را علیه اسرائیل بکار نگیرد.

باید پرسید که صدام چرا بجای بکارگیری ارتش عراق علیه اسرائیل نیروهای نظامی عراق که بزرگترین نیروی نظامی منطقه است را علیه انقلاب اسلامی که ابتدا با شعار "امروز ایران فردا فلسطین" و اکنون با شعار "آزادی قدس" استراتژی حمایت همه جانبه از فلسطینی ها را ارائه داده، بکار گرفته است و اینکه بجای بسیاری از روحانی نماهای ساواکی یا آنان که در فکر مبارزه علیه اسرائیل نیستند، چرا رادیو عراق عمدتا " آیت الله منتظری را که شعار فتح قدس و راهپیمایی بیست میلیونی بسوی آن را مطرح کرده اند، میکوبد؟

با توجه به مواضع فوق میتوان فاصله بزرگ بین شکل چپ نما تا محتوای راست و وابسته صدام را دریافت.

ضدیت با انقلاب اسلامی:

رژیم صدام برای توجیه حمله وحشیانه خود به ایران، مسئله صدور انقلاب و دخالت در امور داخلی آن کشور را بهانه قرار داده است. حال آنکه درطی سه سال مبارزات حق طلبانه امت مسلمان ایران علیه بقایای دربار و سلطنت، اعم از فرماندهان وابسته ارتش، ساواکیها، سرمایه داران وابسته، خوانین و فئودالها و...... کشور عراق همیشه ماوا و پناهگاه این ضدانقلابیون بوده است. قاسملو ها و بختیارها و بسیاری دیگر از خائنین به خلق مستضعف ایران از طریق حمایت رژیم صدام از عقوبت انقلاب اسلامی گریخته و جان سالم بدر برده اند و در واقع رژیم عراق است که در امور داخلی ایران دخالت کرده و میکند. با این ترتیب تهاجم همه جانبه قدرتهای شیطانی از طریق رژیم وابسته عراق بخاطر سرکوب و خفه کردن این نهضت در نطفه بوده است. رژیم عراق با تشکل و تجهیز واحدهای خرابکاری جهت بمب گذاری خصوصا" در منطقه خوزستان و انفجار لوله هایی که جریان نفت را به درون ایران هدایت میکرد ضدیت خود را با انقلاب اسلامی نشان داده بود. درواقع آنچه که اکنون بصورت تجاوز مستقیم و آشکار به خاک اسلام درآمده است، گوشه ای از نقشه های شیطانی آمریکا در منطقه جهت سرکوبی هر نهضت استقلال طلب و آزادی بخش است و براستی که در جریان این جنگ حق و باطل، دست آمریکا از آستین صدام درآمده و رزمندگان عاشق و شهادت طلب ایرانی را به خاک و خون میکشد.

جریان رفورمیست

این جناح که متشکل از هواداران ـ حزب بعث سوریه است، مرکب از چندین حزب و گروه میباشد از معروفترین آنها حزب کمونیست عراق، اتحادیه ملی کردستان و حزب متحد سوسیالیست عراق را میتوان نام برد که با عنوان "جبهه دمکراتیک ملی و اتحاد عربی" به رهبری محمد عبدالجائر و جلال طالبانی، شورای انقلابی عراق را تشکیل داده اند. این جناح شاخه ای از حزب بعث است و بیشترین پایگاه آن در بین افسران، دهقانان و کارگران میباشد. این جریان بعلت تمایل به حزب بعث سوریه با جناح دیگر حزب بعث عراق در تضاد است.

"جبهه دموکراتیک ملی عراق"، با توجه به بافت درونی و ائتلاف نیروهای ملی، کردهای عراق و کمونیستها نمیتواند همپا و همگام جریان انقلاب اسلامی در عراق پیش رود. لیکن به دلیل اعتقاد به آرمان فلسطین و انگیزه های ضدصهیونیستی با رژیم کمپ دیویدی صدام درگیر شده است. برای شناخت بیشتر این جریان، پاره ای از ویژگیهای آن را مرور میکنیم

۱ـ مبارزه با صهیونیسم:

عمده ابزار آلات نظامی و تسلیحاتی سوریه از طریق شوروی تامین میگردد و هواداران این حزب در عراق نیز از نظر نظامی احتیاجات خود را از همین راه تامین میکنند. اگرچه این جناح به انحصارات نظامی امپریالیستی وابسته نیست اما برای مبارزه، به امکانات قدرت بزرگ دیگری متکی است. وابستگی تسلیحاتی به شوروی با درنظرگرفتن اینکه شوروی موجودیت اسرائیل را به رسمیت شناخته

جریان رفرمیست مترقی بدلیل اینکه به انحصارات امپریالیستی وابستگی کمتری دارد، به جریان استقلال طلب نزدیک است.

دامنه حرکتهای انقلابی این جناح را محدود میکند آیا شوروی که موجودیت اسرائیل را به رسمیت شناخته است و خواهان نابودی آن نیست، قادر است برای مبارزه با صهیونیسم، کمکهای نظامی خود را تداوم دهد؟

همین جاست که مبارزه "جناح رفرمیست مترقی عراق" علیه صهیونیسم با مشکل روبرو میگردد.

همچنین این جریان به شیوه جنگ کلاسیک و منظم اصالت میدهد اگرچه به تربیت کماندو و تشکیل گروههای نامنظم هم میپردازند ولی این شیوه را درخدمت جنگ کلاسیک میگیرد و به آن اصالت نمیدهد. بدین لحاظ است که تاکنون به آرمان فلسطین که "مبارزه مسلحانه در از مدت خودکفا" است دست نیافته است. ودرصورت ادامه این روش و عدم تلاش برای کشف شیوه های خودکفا مبارزه بنیادی با صهیونیسم را تضعیف کرده و ما بیم داریم که چنین رفرمیسم مترقی و پیچیده ای مبارزان فلسطینی در آینده به رفرمیسم بکشاند.

۲ـ مبارزه با انحصارات نفتی و مالی:

از نظر وابستگی به انحصارات نفتی چون سوریه نفت ندارد، برنامه های عمرانیش وابسته به درآمد نفت نبوده و به انحصارات نفتی هم وابسته نیست. جناح طرفدار این حزب در عراق نفت این کشور را عمدتا "در اختیار کشورهای سوسیالیستی و بلوک شرق قرار خواهند داد و به انحصارات نفتی غربی وابستگی کمتری پیدا میکنند. از آنجا که حزب بعث سوریه از دلارولیره های نفت بهره ای ندارد لذا ذخیرهٔ ارضی در بانکهای غربی نیز ندارد و بدین لحاظ وابستگی چندانی به انحصارات مالی ندارد بعثی های

طرفدار این حزب درعراق نیز وابستگی کمتری به این انحصارات دارند. واز این جهت به جریان اصیل انقلاب اسلامی نزدیکیهایی دارند.

۳ـ ناسیونالیسم

حزب بعث سوریه از ناسیونالیسم رزمنده عرب حمایت میکند. تشکیل جبهه پایداری ازکشورهای لیبی، سوریه، الجزایر یمن جنوبی وفلسطین درجهت همین خط مشی بوده است. جناح بعثی های طرفدار این حزب درعراق هم از ناسیونالیسم رزمنده عرب دفاع میکند وبطورکلی سوسیالیسم وناسیونالیسمی که این جناح مطرح مینماید بدلیل اینکه به انحصارات امپریالیستی وابستگی کمتری دارد به جریان استقلال طلب نزدیک است.

براساس آنچه گفته شد، سوریه میخواهد این جناح بعثی بجای صدام حاکمیت عراق را بدست گیرد. لیکن با توجه به ویژگیهای فوق، اگرچه وابستگی این جناح از صدام کمتر است،، اما تا زمانی که رمز سعادت را در "استقلال همه جانبه مکتبی" از طریق تکیه به توده های مستضعف ونیاز مند ندانند، قادر به پیوند بنیادی با جوهر انقلاب اسلامی نیست.

جناح استقلال طلب را درعراق توده های طرفدار اصول وشیوه های انقلاب اسلامی تشکیل میدهند. همان مردمی که درسال ۳۷، رژیم سلطنتی ملک فیصل را سرنگون کردند. و همان مردمی که به رهبری مرحوم قاسم مواضع درخشانی علیه کمپانیهای نفت وصهیونیسم اتخاذ کردند وکمکهای شایانی به انقلاب الجزایر نمودند.

جریان استقلال طلب

جناح استقلال طلب را درعراق توده های طرفدار اصول وشیوه های انقلاب اسلامی تشکیل میدهند. همان مردمی که درسال ۳۷، رژیم سلطنتی ملک فیصل را سرنگون کردند. وهمان مردمی که به رهبری مرحوم قاسم مواضع درخشانی علیه کمپانیهای نفت و صهیونیسم اتخاذکردندوکمک های شایانی به انقلاب الجزایرنمودندو این توده های استقلال طلب بعضی بصورت پراکنده وعده ای بصورت متشکل عمل میکنند. اگرچه گروههای انقلابی درعراق نقش اصلی را بعهده ندارند لیکن حرکتهای آنها دررشدوگسترش خط امام درمنطقه وخصوصا درعراق نقش بسزائی دارد. رزمندگان استقلال طلب عراق همچون انقلابیون ایرانی بخوبی درک کرده اندکه رهبری هرانقلاب جوهروعامل اصلی پیروزی آن است. لذا درطول مبارزاتشان بخصوص با شروع جنگ ایران و عراق، همواره پیامهای امام را ازجان ودل پذیرفته وراهنمای عمل خودقرار داده اند. هنگامیکه امام برای مردم عراق پیام فرستادندکه با ضربه زدن به رژیم صدام ازطریق عدم پرداخت بهای آب وبرق، فرار سربازان عراقی از پادگانها، تشکیل شورای انقلاب برای هماهنگی درشیوه های مبارزاتی انفجار مراکزدولتی وغیره او را ساقط کند، مردم وگروههای رزمنده طی پیامهائی فرمان امام را لبیک گفتند. این جناح از اسلام وانقلاب اسلامی ایران الهام گرفته وویژگیهای آن درجهت انقلاب اسلامی است. اصلی ترین شعار انقلاب اسلامی "استقلال آزادی، جمهوری اسلامی" است که در درتمام وجوه به استقلال معتقد است وبه اعتبار این جوهر به مبارزه قهرآمیز وهمه جانبه با پایگاههای امپریالیسم دست زده است که به بررسی آنها میپردازیم

۱ـ مبارزه با انحصارات نفتی:

انقلاب اسلامی با اعتقاد به ارزشهای مکتبی، فروش چپاولگرانه وبی رویه نفت راعامل مهمی در وابستگی به انحصارات جهانی یافت. دراولین فرصت قراردادهای طاغوتی درایران را لغووجریان نفت به آفریقای جنوبی، اسرائیل، مصر وفیلیپین را قطع نمودونفت را نه یک کالای اقتصادی بلکه یک کالای سیاسی ایدئولوژیک نامید. براساس همین بینش بودکه درمقابل پول حاضر نشداین نعمت خدا را درجهت تامین مستکبرین وسرکوب مستضعفین بفروشد وتولیدوصدورآنرا بشدت کاهش داد. درواقع سیل خروشان خلق درآستانه رسیدن به استقلال، شیرنفت را به روی استعمارگران بست ودقیقا همین مبارزه با انحصارات نفتی است که موجب درگیرشدن صدام با انقلاب اسلامی ووحشت او ازصدورآن گردیده است. چرا که صدام وابسته به کمپانیهای نفتی بین المللی است وذخایرنفت راکه رحمت خداوندبرای مستضعفین جهان است به غارت میبرد. ودرعوض سلاحهای سبک وسنگین را تهیه وجان برکفان و عاشقان انقلاب اسلامی را درمنطقه بخاک وخون میکشاند برخورد ایدئولوژیک انقلاب اسلامی ایران با مساله نفت، ازجمله شیوه هائی بودکه به تمام نهضتهای آزادیبخش صادرشد بطوریکه مساله اینکه "نفت را چقدر بفروشیم ومهمترآنکه به که بفروشیم" بعنوان یک سئوال اساسی مطرح گردید وجزومحورهای اصلی انقلابات منطقه قرارگرفت. تلاش رزمندگان عراق برای بدست آوردن حقوق ازدست رفته ـ شان وخلع یدازصدامیان کافراز روی منابع وذخایرزحمتکشان عراقی دال براین حقیقت است. بعنوان نمونه لوله های نفت عراق به اروپا توسط مجاهدین عراقی درتاریخ ۵۹/۷/۸ منفجرگردید (۱).

وحزب الدعوه اسلامی درپیام خودبه مردم خواستار اعتصاب کارگران و کارمندان شرکتهای نفتی شد (۲).

۲ـ مبارزه با انحصارات نظامی:

یکی ازمهمترین دستآوردهای انقلاب اسلامی ایران اصالت دادن به جنگ چریکی انقلابی است. یعنی تکیه به شیوه هائی جوشیده ازمکتب وبرخاسته ازنیاز اصیل جوانان جان برکف، بدین ترتیب که دردل جنگ اسلام وکفر بسیاری اززرمندگان اسلام دریافتند این انسان مکتبی است که نقش تعیین کننده واول را درجبهه ها دارد وبا سلاح سبکهم میتوان با دشمن مقابله کرد، ازچنین منطقی بودکه نو جوانانی چون "حسین فهمیده "طفل ۱۲ساله، مظهرفداکاری وایثارشدند وبه تعبیرامام امامت رهبری جنگ را بعهده گرفتند. صدام با اینکه حمایت تمامی ابرقدرتها رابدنبال دارد و با وجوداینکه ازنظرتجهیزات و تدارکات جنگی توسط اردن ومصر عربستان وکشورهای اروپای غربی تامین میشودولی ازمقابله با رزمندگان اسلام که بعداز۹ماه بدون اتکا به ابرقدرتی درحال مقاومت با کفرصدامی هستند، عاجزاست. چرا که ارتش کلاسیک عراق یارای مقاومت درمقابل شیوه های مکتبی وچریکی جانبازان ما راندارد. واز درک قانونبندی روشهای انقلابی وخودکفای جنگ ناتوان است. چنانکه قلعه استراتژیک چغالوندکه به زعم معتقدین به شیوه های کلاسیک اگربا ازدست رفتن ۳۰۰۰ نیروی ایرانی نیزبه تصرف درمیآمدجای خشنودی بود، از طریق تهاجم چریکی، تنها توسط ۳ گروه ۱۳نفری ازتصرف عراقیها خارج میشودوتانک ومیگ ودیگرابزارهای شیطانی دشمن عملا کارائی خویش راازدست میدهند. این تنها یک نمونه اززدرگیری مداوم دودیدگاه است. دیدگاهی که معتقدبه اصالت انسان مکتبی است ودربرابرآن جریان دوم که به شیوه های کلاسیک و اصالت ابزارمعتقداست. جریان استقلال طلب درعراق هم همچون مبارزین انقلاب اسلامی، شیوه کلاسیک را راهی اصولی برای مبارزه نمیداندوفروش نفت جهت خرید اسلحه ووابسته شدن بسلاح سنگین و کمپانیهای اسلحه سازی را محکوم مینماید. جناح استقلال طلب در عراق هم چون انقلابیون ایران، خواهان استقلال نظامی وبیرون راندن مستشاران نظامی ازعراق است. مجاهدین عراقی درکنار رزمندگان مسلمان ایرانی چه درخاک عراق وچه درخاک ایران، همواره با عملیات چریکی ضربات مهلکی به رژیم بعث زده اند. انفجارقطارحامل مهمات، شرکت درعملیات تسخیر



اگرباورتان این باشد که می توانیم مستقل باشیم خواهید توانست — **امام خمینی**

بلندیهای چغالوند و بازی دراز و همکاری فعالانه در جبهه‌های جنوب نمونه‌هائی از این تلاشهاست. مردم معتقد به انقلاب اسلامی در عراق بطور طبیعی با شیوه جنگ چریکی پیوند زیادی دارند و برای تحقق پیام امام خمینی مبنی بر قیام علیه حکومت کفار به این شیوه‌ها متوسل شده‌اند. قیام عشایر شیعه آل حجیم در تصرف شهر سماوه و درگیری گسترده آنان با یک ستون نظامی ارتش عراق از این جمله است (۱) بهمین شیوه بود که مجاهدین عراق تا بحال توانسته‌اند چندین بار بندر بصره را به تصرف خود درآورده و نیروهای بعثی را قتل عام کنند.

۳ـ مبارزه با نژادپرستی :

انقلاب اسلامی ایران با قطع فروش نفت به رژیمهای نژادپرست وابسته آفریقای جنوبی و اسرائیل و فیلیپین کینه خود را نسبت به نژادپرستی و برتری نژادی نشان داد و همواره بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، شیطان بزرگ و عوامل درونیش سعی میکردند از اختلافات قومی و عقیدتی بین اقشار مردم ایران اعم از سنی، شیعه ترک و کرد و عرب و فارس استفاده کرده و ضربات مهلکی به پیکر انقلاب وارد نمایند. در این جهت درگیریهائی در مناطق کردستان و گنبد کاووس بوجود آوردند. ولی جریان انقلاب اسلامی با اصالت دادن به ارزشهای وجودی و مکتبی انسانها و عدم توجه به خصوصیات ظاهریشان، مشت دشمنان را باز کرد و امام امت مطرح کردند که در نزد ما تنها ملاک برتری انسانها تقوی و عمل صالحی است که انجام میدهند و تمامی قومیتها باید در جهت حفظ و گسترش اسلام فعال گردند. جریان حامی انقلاب اسلامی در عراق نیز مکتب را راهنمای عمل قرار داده و با اتکا به تقوی بجای نژاد یا ..... احترام به حقوق کلیه احزاب نژادها اعم از سنی و شیعه و کرد و عرب در کادر مکتب، آرمان آنهاست.

۴ـ مبارزه با دموکراسی غربی :

مردم قهرمان ما با طرح شعار استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی مخالفت خود را با دیگر شیوه‌های حکومتی نظیر دموکراسی غربی (خلیفة اللهی عامه مردم، اصالت رای اکثریت) سوسیالیسم نفتی صدامی و اسلام امیرفهدی و . . . اعلام نموده‌اند. بدین معنا که امام خمینی میگویند اگر همه مردم با کسی مثلا رئیس جمهور باشند و او انقلابی نباشد من یکنفر با آنها مخالفت میکنم. مخالفت خط امام با شیوه حکومتی لیبرالها در زمان دولت موقت نمونه‌ای از ایستادگی برای تحقق حکومت اسلامی است و نشان دهنده آنست که معیار انقلاب اسلامی برای حکومت، رای اکثریت یا اقلیت نیست مردم انقلابی عراق نیز برای پذیرش رهبری امام خمینی رای گیری نکرده‌اند بلکه با توجه به مساله جنگ اسلام و کفر و نقش بزرگ امام در این جریان، بین تمامی مدعیان اسلام، وی را مرجع خویش شناختند و این دقیقا ظرافت اصول اسلامی است که برای تعیین ولایت فقیه به خواسته اکثریت اصالت نداده بلکه در پی آن است که رهبری را پیدا کند که به بهترین نحوی توده‌ها را علیه دشمن عمده بسیج نماید و موجب گسترش امت واحده گردد.

۵ـ مبارزه با صهیونیزم :

استراتژی انقلاب اسلامی در این مقطع از تاریخ آزادی قدس و مبارزه با صهیونیزم تا نابودی اسرائیل بوده و خط سرخ پیروزی آن از کربلا به قدس است. درحال حاضر خواسته تمامی رزمندگان اسلام در صحنه‌های نبرد حق و باطل آزادساختن کربلاست که قدمی در جهت فتح قدس است. مردم ما بقدری ضدصهیونیست هستند که حتی بختیار مهره امپریالیزم نیز در ابتدای روی کار آمدنش جریان نفت به اسرائیل را برای جلب حمایت مردم قطع کرده بعد از پیروزی انقلاب نیز سفارت اسرائیل در ایران بسته شد و سرسپردگان صهیونیزم نظیر القانیان و هویدا، توسط دادگاه های انقلاب اعدام شدند. این اعدامهای انقلابی تمامی محافل صهیونیستی از جمله سنای آمریکا را به خشم درآورد اعلام روز جهانی قدس توسط امام خمینی نیز در این جهت است و تظاهراتی که در این روز انجام میگردد بسیار باشکوه و بی شباهت به راهپیمائیهای میلیونی دوران انقلاب "مرگ بر شاه" نیست. آیت الله منتظری نیز راهپیمائی مسلمانان بطرف قدس را مطرح کرده‌اند که از طرف مستضعفین منطقه مورد استقبال قرار گرفت و در سخنرانی خود به مناسبت روز قدس، اهمیت آزادی بیت المقدس را مورد تاکید قرار دادند و با استفاده از آیاتی از قرآن گفتند "القدس ما القدس و ما ادریک ما القدس" و اینچنین رابطه این استراتژی خونبار را با مکتب اسلام مشخص کردند. جریان حامی انقلاب اسلامی در عراق نیز دشمن اصلی خود را رژیم صدام و حامیان صهیونیستی ـ امپریالیستی آن میدانند، و با سرنگونی رژیم صدام مبارزه را تا نابودی رژیم اشغالگر قدس تداوم خواهد داد.

۶ـ صدور انقلاب و عدم اشغالگری :

پس از به ثمر رسیدن انقلاب، امام خمینی با طرح شعار صدور انقلاب و محکوم نمودن شیوه اشغالگری، به فریاد دل مستضعفین یعنی تداوم انقلاب و صدور و شیوه‌های مکتبی آن پاسخ گفتند. امپریالیسم و عوامل درونیش خیلی سعی کردند جنگ ایران و عراق را خصوصا در آغاز آن، در نظر مردم جهان جنگ بین عرب و عجم یا سنی و شیعه یا جنگ بر سر خطوط مرزی جلوه دهند ولیکن مظلومیت دلاوران و جانبازان ما در جبهه‌های جنگ و اشغالگری و خیانت رژیم عراق بدانجا رسید که خود زبان گویائی برای تشریح فلسفه انقلاب اسلامی و صدور آن گردید. فجایعی که رژیم عراق در اشغال خونین شهر و در بمباران مناطق مسکونی حتی بیمارستان و مدرسه ببار آورد، خود نشانگر ماهیت صدامیان کافر است ولی در عوض هنگامیکه فانتومهای ما برفراز شهرهای عراق به پرواز درآمدند بجای بمب اعلامیه‌های امام را پخش میکردند و هیچگاه بر سر مردمان عراق بمب نریختند و با تز انحرافی "موشک جواب موشک" مبارزه کردند. امام خمینی هم مرتب در نطقهایشان گفتند که هدف ما کشورگشائی یا کشتار مردم عراق نیست بلکه خواسته ما صدور انقلاب اسلامی و آزادساختن توده‌های تحت ستم عراق و دیگر کشورها است. جریان استقلال طلب در عراق هم با پذیرش صدور انقلاب اسلامی با شیوه‌های صهیونیستی که صدور کودتا و اشغال نظامی است بمبارزه برخاسته است و این نشاندهنده آن است که خلقهای مستضعف ایران و عراق علیرغم تمامی توطئه‌ها در شیوه‌ها و اصول به وحدت میرسند.

۷ـ حمایت از انقلاب فلسطین :

مردم انقلابی ما با انقلاب فلسطین پیوند ایدئولوژیک و ناگسستنی دارند و این بخاطر مشترک بودن آرمان انقلاب اسلامی و آرمان خلق فلسطین است. در روز ۱۷ شهریور "کارتر و سادات و بگین" که توطئه کمپ دیوید را به امضا میرساندند، کارتر تلفنی به شاه دستور سرکوبی خلق ایران را میداد. امام خمینی چه با طرح شعار آزادی قدس و نابودی اسرائیل و چه در تبدیل سفارت اسرائیل به سفارت فلسطین کمک به جنبش آزادیبخش فلسطین، قطع صدور نفت به اسرائیل، محکوم نمودن کمپ دیوید و قطع رابطه با مصر با وجود طلبکار بودن ۲ میلیون دلار از آن کشور و . . . . پیوند ناگسستنی انقلاب ایران با انقلاب فلسطین را نشان داده‌اند. اما علیرغم آنچه گفته شد ما معتقدیم که بزرگترین نعمت انقلاب اسلامی برای انقلاب فلسطین صدور شیوه‌های مکتبی جنگ است، اگر انقلاب ایران بتواند رمز موفقیت آرپی جی را در مقابل تانک به رزمندگان فلسطینی بنمایاند، بسیاری از رهبران آن نهضت بجای گشت و گذار در دربار سران مرتجع عرب، موفقیت و پیروزی را در توسل به شیوه‌های انقلاب ایران خواهند دانست. از آنجاکه قبل از پیروزی انقلاب اسلامی، نهضت ضدصهیونیستی عبدالناصر الگو و سمبل مبارزه خلق علیه امپریالیزم بود، رزمندگان فلسطینی نیز بطور طبیعی از شیوه‌های آن مرد آزاده تبعیت میکردند. بعنوان نمونه جمال عبدالناصر مطرح میکرد که ما میتوانیم ۱۰۰ میلیون خلق عرب را که از مذاهب مختلف تشکیل شده‌اند مانند قبطی، شیعه، سنی، حنفی، شافعی و نژادهای مختلف را حول محور ناسیونالیزم عرب بوحدت برسانیم و آنها را بسیج کنیم. بعد میگفت اگر ناسیونالیزم عرب نتوانست توده‌های عرب را بسیج کند، آنوقت صدها ملیون خلق را زیر پرچم ناسیونالیسم آفریقا بسیج میکنیم و اگر این شعار هم نتوانست توده‌ها را بسیج کند، آن موقع است که باید شعار ایدئولوژیک و اسلامی داد. اشتباهی که ناصر داشت این بود که اسلام را بعنوان یک راهنمای عمل در نظر نمیگرفت. بهمین ترتیب تا بحال برخورد انقلابیون فلسطین با مکتب اسلام برخورد ریشه‌ای و بنیادی نبوده است ولی دیده‌ایم که با گسترش انقلاب اسلامی در منطقه بسیاری از شیوه‌های غیرمکتبی در اردوگاههای فلسطین اخلاق غیراسلامی، قماربازی و غیره تعطیل شده‌اند و این از دیدگاه اسلام انقلابی، بزرگترین خیر و برکت صدور انقلاب است. چراکه نیروها را در کانال اصلی که مبارزه خلق علیه صهیونیزم و امپریالیزم است بکار گرفته و از تلف شدن آن جلوگیری میکند. حامیان انقلاب اسلامی در عراق هم با توسل به شیوه‌های مکتبی، پیکار خود با رژیم وابسته صدام را آموزشگاهی برای عرضه اسلام راهنمای عمل قرار داده‌اند.

"والسلام علی من اتبع الهدی"

پاورقی :

۱ـ روزنامه آزادگان ۵۹/۷/۸
۲ـ روزنامه اطلاعات ۵۹/۷/۸
۳ـ کیهان ۵۹/۷/۲۰

شعار اصیل فتح قدس تنها شیوه قهرآمیز برای مقابله با کمپ دیوید است